



مناجات منظوم منسوب به امیر المومنین

این مناجات از صحیفه علویه نقل شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمت گر مهربان

تَبَارَكَتْ تُعْطِي مَنْ تَشَاءُ وَتَمْنَعُ

فرخنده ای تو عطا کنی به هر که خواهی و منع کنی ز هر که خواهی

لَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَالْعُلَى

ستایش تو راست ای صاحب جود و بزرگواری و برتری

إِلَيْكَ لَدَى الْإِعْسَارِ وَالْإِسْرَافِزَعُ

به جانب تو در سختی و آسانی پناه می آورم

إِلَهِي وَخَلَاقِي وَحِرْزِي وَمَوْلِي

خدایم و آفریدگارم، و نگهدارم و پناهم

فَعَفُوكَ عَنْ ذَنْبِي أَجَلٌ وَأَوْسَعُ

پس گذشت تو از گناه من بزرگتر و گسترده تر است

إِلَهِي لئن جَلَّتْ وَجَمَّتْ خَطِيئَتِي

خدایا اگر خطایم بزرگ و انبوه است



فَهَا أَنَا فِي رَوْضِ النَّدَامَةِ أَرْتَعُ

اینک در مرغزار پشیمانی می گردم

إِلَهِي لئنُ أَعْطَيْتُ نَفْسِي سُوءَهَا

خدایا اگر خواهش نفسم را به نفسم وا گذاشتم

وَأَنْتَ مُنَاجَاتِي الْحَفِيَّةَ تَسْمَعُ

و تو مناجات پنهان مرا می شنوی

إِلَهِي تَرَى حَالِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي

خدایا بدحالی و تهیدستی و نیازم را می بینی

فُوَادِي فَلِي فِي سَيْبِ جُودِكَ مَطْمَعُ

قلبم را که من به باران جودت طمع دارم

إِلَهِي فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَلَا تُزِغْ

خدایا امیدم را قطع مکن، و منحرف مساز

فَمَنْ ذَا الَّذِي أَرْجُو وَمَنْ ذَا الشَّفَعِ

پس به چه کسی امیدوار شوم و چه کسی را شفیع گیرم

إِلَهِي لئنُ خَيَّبْتَنِي أَوْ طَرَدْتَنِي

خدایا اگر محرومم کنی یا از پیشگاهت برانی

أَسِيرٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ لَكَ أَخْضَعُ

اسیر و خوار و ترسانم و برایت فروتنی می کنم

إِلَهِي أَجْرِنِي مِنْ عَذَابِكَ إِنِّي

خدایا از عذابت پناهم ده که من



إِلَهِي فَالْسُنِي بَتَلْقِينِ حُجَّتِي

خدایا با آموزش دلیل راه همراهم باش

إِذَا كَانَ لِي فِي الْقَبْرِ مَثْوَى وَمَصْجِع

در آن زمان که در قبر منزل و خوابگاهم باشد

إِلَهِي لئنُ عَذَّبْتَنِي أَلْفَ حِجَّةٍ

خدایا اگر هزار سال مرا عذاب نمایی

فَجَبَلُ رَجَائِي مِنْكَ لَا يَتَقَطَّعُ

رشته امید من از تو قطع نمی شود

إِلَهِي أَذِقْنِي طَعْمَ عَفْوِكَ يَوْمَ لَا

خدایا مزه گذشتت را به من بچشان آنگاه که

بُنُونَ وَلَا مَالٌ هُنَالِكَ يَنْفَعُ

نه فرزندان و نه مال در آن زمان سود نرساند

إِلَهِي لئنُ لَمْ تَرَ عَنِي كُنْتُ ضَائِعًا

خدایا اگر مرا رعایت نکنی تباه شده ام

وَإِنْ كُنْتُ تَرَ عَنِي فَلَسْتُ أَضِيعُ

و اگر رعایتم نمایی تباهی نپذیرم

إِلَهِي إِذَا لَمْ تَعْفُ عَنِّي غَيْرِ مُحْسِنٍ

خدایا اگر از غیر نیکوکاران نگذری

فَمَنْ لِي سِيءٍ بِالْهُوَى يَتَمَتَّعُ

پس امید کسی که با هوس کامروایی میکند کیست



إِلَهِي لَئِن فَرَطْتُ فِي طَلَبِ التَّقَى

خدایا اگر در طلب پروا کوتاهی نمودم

فَهَا أَنَا إِثْرُ الْعَفْوِ أَتَّقُوا وَاتَّبِعْ

پس اینک دنبال گذشت توام و سراغ آن میروم

إِلَهِي لَئِن أَخْطَأْتُ جَهْلًا فَطَالَمَا

خدایا اگر از روی جهالت خطا کردم

رَجَوْتُكَ حَتَّى قِيلَ مَا هُوَ يُجْزَعُ

تا آنجا به تو امید بستم که درباره‌ام گفته شد باک ندارد

إِلَهِي ذُنُوبِي بَدَّتِ الطُّودَ وَاعْتَلَّتْ

خدایا گناهم بلندتر و بزرگ‌تر از کوههای برافراشته شده

وَصَفْحُكَ عَنِ ذَنْبِي أَجَلٌ وَأَرْفَعُ

ولی چشم‌پوشی تو از گناه من بزرگ‌تر و برفرازتر است

إِلَهِي يُجَبِّي ذِكْرُ طَوْلِكَ لَوْعَتِي

خدایا یاد عطای همیشگی ات آتش دلم را خنکا می‌بخشد

وَذِكْرُ الْخَطَايَا الْعَيْنِ مِنِّي يَدْمَعُ

و یاد گناهان، دیدگانم را اشکبار می‌سازد

إِلَهِي أَقْلِنِي عَثْرَتِي وَامْحُ حَوْبَتِي

خدایا لغزشم را نادیده گیر و گناهم را پاک کن

فَإِنِّي مُقِرٌّ خَائِفٌ مُتَضَرِّعٌ

من اقرار به گناه دارم و هراسان و نالانم



إِلَهِي أَنْلِنِي مِنْكَ رَوْحًا وَرَاحَةً

خدایا از سوی خود آسایش و راحتی به من ده

فَلَسْتُ سِوَى أَبْوَابِ فَضْلِكَ أَقْرَعُ

که من جز درهای احسان تو را نمی گویم

إِلَهِي لَئِنْ أَقْصَيْتَنِي أَوْ أَهْتَنِي

خدایا اگر مرا دور کنی یا سبکم انگاری

فَمَا حِيلَتِي يَا رَبِّ أَمْ كَيْفَ أَصْنَعُ

پس چه چاره کنم ای پروردگار و چه سازم

إِلَهِي حَلِيفُ الْحُبِّ فِي اللَّيْلِ سَاهِرٌ

خدایا سوگند خورده عشق در شب بیدار است

يُنَاجِي وَيَدْعُو وَالْمُعْفَلُ يَجْعُ

رازونیاز و دعا می کند ولی شخص غافل می خوابد

إِلَهِي وَهَذَا الْحَلْقُ مَا بَيْنَ نَائِمٍ

خدایا از این مردم گروهی در خوابند

وَمُنْتَبِهٍ فِي لَيْلِهِ يَتَضَرَّعُ

و گروهی دیگر شب بیدار و زاری می کنند

وَكُلُّهُمْ يَرْجُونَكَ رَاجِيًا

و همه آنان عطای تو را امید دارند، و امیدوار

لِرَحْمَتِكَ الْعُظْمَى وَفِي الْحُلْدِ يَطْمَعُ

رحمت بزرگ تو را و به بهشت تو طمع ورزند



إِلَهِي يُمَيِّنِي رَجَائِي سَلَامَةً

خدایا امید من در دلم آرزوی سلامتی می کند

وَقَبِّحْ خَطِيئَاتِي عَلَىٰ يُسْنَعِ

و زشتی گناهانم مرا به رسوایی تهدید می نماید

إِلَهِي فَإِنْ تَعَفَوْا فَعَفْوُكَ مُنْقِذِي

خدایا اگر بگذری گذشتت نجات بخش من است

وَالْإِفْبَالِ الذَّنْبِ الْمُدْمِرِ أَصْرَعِ

ور نه با گناهم به عرصه نابودی در افتم

إِلَهِي بِحَقِّ الْهَاشِمِيِّ مُحَمَّدٍ

خدایا به حق محمد هاشمی نسب

وَحُرْمَةِ أَطْهَارِهِمْ لَكَ خُضْعُ

و به حرمت پاکانی که نزد تو فروتنند

إِلَهِي بِحَقِّ الْمُصْطَفَىٰ وَابْنِ عَمِّهِ

خدایا به حق محمد مصطفی و پسر عمویش

وَحُرْمَةِ أَبْرَارِهِمْ لَكَ خُشْعُ

و به حرمت نیکوکارانی که برای تو خاشعند

إِلَهِي فَانْشُرْنِي عَلَىٰ دِينِ أَحْمَدِ

خدایا مرا در رستاخیز بر دین احمد برانگیز

مُنِيبَاتِقِيًّا قَانِتًا لَكَ أَخْضَعُ

تائب و پرهیزگار و عابد و فروتن در پیشگاهت



وَلَا تُحْرِمَنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي

ای خدای من و آقای من مرا محروم مساز

شَفَاعَتُهُ الْكُبْرَى فَذَاكَ الشَّفَعُ

از شفاعت بزرگ محمد که شفاعتش پذیرفته است

وَصَلِّ عَلَيْهِمْ مَا دَعَاكَ مُوَحِّدٌ

و بر ایشان درود فرست تا هرگاه که موّحدی تو را بخواند

وَنَاجَاكَ أَخِيَارُ بِيَابِكَ رُكْعٌ

و خوبان با تو مناجات کنند و در برابرت به رکوع پردازند

و نیز در «صحیفه علویه» مناجات منظوم دیگری از آن حضرت نقل شده که اوّل آن «یا سامع الدعاء» است. ولی چون مشتمل بر واژه های مشکل و لغات ناآشنا بود و ما بنابر اختصار از ذکر خودداری نمودیم.

ثلاث کلمات من مولانا علی علیه السلام فی المناجاة

سه جمله از مولایمان علی (درود بر او) در باب مناجات:

إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَ كَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا أَنْتَ كَمَا أَحْبَبْتَ فَاجْعَلْنِي كَمَا
نُحِبُّ

خدایا مرا این عزّت بس است که بنده تو باشم، و برایم این افتخار کافی است که تو پروردگار من باشی، تو آنچنانی که دوست دارم، مرا هم چنان کن که دوست داری.